

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	: بانکی پورفرد، امیرحسین، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: زندگی به سبک دخترانه: (ویژه ولادت حضرت معصومه (س)) مؤلفان امیرحسین بانکی پورفرد، فاطمه مالکی: به سفارش معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
مشخصات نشر	: مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۲ ص. ۱۷ × ۱۱۰ س. ۴.
فروست	: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی): ۲۲۵۶.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۷۶۱-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: چاپ قبلی: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۶.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۰ - ۳۲
موضوع	: زنان در اسلام
موضوع	: Women in Islam
موضوع	: دختران -- راه و رسم زندگی
موضوع	: Girls -- Conduct of life
موضوع	: دختران -- راهنمای مهارت های زندگی
موضوع	: Girls -- Life skills guides
شناسه افزوده	: مالکی، فاطمه، ۱۳۵۵ -
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شناسه افزوده	: (شرکت به نشر انتشارات آستان قدس رضوی
شناسه افزوده	: Behnashr Company (Astan Quds Razavi Publications)
رده بندی کنگره	: الف ۱۳۹۶ ز ۹ ب ۲۴۲ / ب ۲۳۰ / BP۲۳۰
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۴۸۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۷۳۳۹۱



به نشر
انتشارات آستان
قدس رضوی

زندگی به سبک دخترانه

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی
باتشکر از: حمید مشهدی آقایی

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی
ویراستار: سعیده تیمورزاده، زینب سادات حسینی
طراح گرافیک و صفحه آر: امین کوثری

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶ شمارگان: ۵۰۰۰

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی،
ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۲۵۶۹
صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵
حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

- ۵ من چطوری هستم؟
- ۶ دیگران تو را چگونه می شناسند؟
- ۸ دختر در آئینه کلام خوبان
- ۱۸ ریحانه الهی
- ۱۹ خدا تو را برای پدر و مادرت این گونه پسندید
- ۳۶ رهاورد این سفر
- ۴۱ دختری محبوب خدا
- ۴۲ حسن مطلع ذی قعده است
- ۴۳ تربیتش رضوی است
- ۴۴ آئینه تمام نمای مادر است
- ۴۷ کلام آخر
- ۵۱ مسابقه فرهنگی



می گویند دخترها حساس اند.
بعضی ها می گویند دخترها لوس اند،
بابایی اند و دوست داشتنی و پُراز عاطفه و احساس .
شاید درست بگویند، شاید هم نه !
می خواهی ببینی خصوصیات دخترها چیست ؟
می خواهی خودت را بشناسی ؟



من چطوری هستم؟

حتماً این پرسش را بارها از خود پرسیده‌ای. تو روزهایی از عمرت را می‌گذرانی که برایت بسیار مهم است بدانی «چطوری هستی» و شاید این پرسش را در زمینه‌های مختلف از خودت بپرسی: دربارهٔ قیافه‌ات، پوشش و ظاهر، ادب و معاشرت، درس خواندن و علم‌آموزی‌ات و این کتاب سفر کوتاهی است به درون تو؛ برای اینکه بدانی «چه کسی هستی». این را که بدانی، خودت به نتیجه می‌رسی که «چطوری باشی»!



دیگران تو را چگونه می‌شناسند؟

فکر و خیال بعضی از دخترها صرف این می‌شود که بقیه آن‌ها را چگونه می‌بینند و درباره‌شان چه قضاوتی می‌کنند؟ دوستشان دارند یا نه؟ این دخترها می‌خواهند ببینند چقدر آن‌طور که فکر می‌کنند، در خانواده محبوبیت دارند.

تا حالا تلاش کرده‌ای که ببینی فکر دیگران درباره‌ت و ویژگی‌هایت چیست و از چه زاویه‌ای به تو و خصوصیات نگاه می‌کنند؟ البته شاید همه چیزهایی که درباره‌ت می‌گویند، واقعیت نداشته باشد؛ ولی دانستن آن‌ها ضرری ندارد. مثلاً شاید از پدرت، مادرت، برادرت، خواهرت یا دوستت این جملات را درباره‌ت شنیده باشی: به خانواده وابسته است، عاطفی است، بعضی وقت‌ها لج‌باز است، کمک‌حال است، بعضی وقت‌ها خودش و خودسروی است، احساساتی است، بابایی است، دوست‌داشتنی است، ترسو است، مهربان است، اهل تمیزی است، لوس است، پُر حرف است، دلسوز همه است، دوست خوبی است، روی قیافه‌اش خیلی حساس است، استقلال طلب است،



به دوستانش وابسته است، خیلی پُر جنب و جوش است. شاید بعضی از این خصوصیات که گفته شد یا خیلی ویژگی‌های دیگر که می‌گویند و اینجا نگفتم، در تو وجود نداشته باشد؛ اما در هر حال، اعضای خانه و روان‌شناسان تأیید کرده‌اند که روحیه دختران با پسران تفاوت دارد و همان ویژگی‌های آن‌هاست که با بقیه متفاوت‌شان می‌کند: احساساتی بودن و پُر حرفی کردن و عاطفی بودن و... همه و همه از تو چیزی می‌سازد که تو را به خودت می‌شناساند و فرق تو را با بقیه نشان می‌دهد.

آخر می‌دانی هیچ‌کس مثل تو نیست. تو کسی هستی شبیه خودت. هر کس تو را دیده یا وصفت را شنیده، از تو نشانی‌ای داده است؛ مادر بوده است یا پدر، خواهر بوده است یا برادر یا هر کس دیگری، فرقی نمی‌کند. مهم این است که آن نشانی‌ها درست باشد. نشانی درست تو این است:

دوست هستی، شیه بجز، بارانی و لطیف و دوست‌داشتنی.

تو کوثری: صُمِّه جُوشان (الحی برای پدر و مادر است).

دوست داری بدانی بهترین‌های عالم درباره‌ات تو چه می‌گویند و تو را چگونه می‌شناسند؟ پس با این سطرهای نورانی همراه شو.



دختر در آئینه کلام خوبان

خدای خوبان و خوبان، تو را این گونه می شناسند:

۱. هدیه الهی

هدیه نشان دوست داشتن است و نشانه انتخاب:

خدا هرچه را بخواهد، خَلَق می کند: ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ﴾

و به هر که بخواهد، هدیه می دهد.

دختر از همان هدایایی است که خدا به هر که بخواهد، می بخشد:

﴿يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ﴾

چه آهنگ زیبایی دارد: (به هر کس بخواهد، دختر عطا می کند و به

هر کس بخواهد، پسر می دهد).

مهربان هستی بخش هدیه دادن دختر را مقدم بر پسر کرده است.

این مخلوق، پیش کشی است از طرف خداوند...

فرستنده خودش است و گیرنده را نیز خودش انتخاب می کند. چه

نعمتی بهتر از آنکه خدا تو را هدیه فرستاده است برای پدر و مادرت!

۱. شورا، ۴۹: ﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن

يَشَاءُ الذُّكُورَ﴾



و خداوند همیشه قرارت دار تا نشانه لطفی دیگر باشد.
به هر که بخواهد، آن را می دهد؛ به هر که نخواهد، نمی دهد.

۲. انتخاب خدا

خدا به او دختری داده بود. در حالی که عصبانی بود، خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید. حضرت با دیدن ناراحتی او فرمودند: «اگر خدا به تو وحی می کرد که او برای تو فرزند انتخاب کند یا خودت انتخاب می کنی، چه می گفتی؟»

مرد گفت: «می گفتم خدا برایم انتخاب کند.»

پاسخ امام راستی ها آبی بود بر آتش درونش: «فَإِنَّ اللَّهَ [عَزَّوَجَلَّ] قَدْ اخْتَارَ لَكَ.» (خداوند متعال برای تو انتخاب کرد).
وقتی کاری را به کسی بسپاریم که از ما داناتر است، نتیجه اش بهترین خواهد شد و اینکه خدا به کسی دختر داده، یعنی خودش برای او انتخاب کرده است.

این جایگاهی است که خدا برای تو انتخاب کرده است
و تو هم می دانی چه جایگاهی است!

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۶؛ احمد بن محمد بن فهد اسدی حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۹۰.



۳. نشانه مهر

« خداوند متعال بیش از اینکه با مردها مهربان باشد، با خانم‌ها مهربان است و اگر مردی موفق شود که خانمی از محارمش مثل همسر، مادر، خواهر، دختر، عمه یا خاله را شاد کند، خداوند متعال در قیامت او را شاد خواهد کرد.^۱»

این بیان لطیف، بشارتی است عجیب که امام رضا علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند.

مهربان تر است با تو

تا مهربان تر باشند با تو

۴. دوست داشتنی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعای خیر خود را بدرقه پدری می‌کردند که خداوند توفیق داشتنِ دختر یا دخترانی را به او داده بود: «رَحِمَ اللَّهُ أَبَا الْبَنَاتِ».^۲ (رحمت خداوند بر پدرِ دختران.) آنگاه پس از این دعای پُر افتخار برای پدران، از سر مهر و عطوفت همیشگی می‌فرمودند: «الْبَنَاتُ مُبَارَكَاتٌ مُحَبَّبَاتٌ» (دختران برکاتی دوست‌داشتنی هستند.)

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۶: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرْأَفُ مِنْهُ عَلَى الذَّكَوَرِ وَمَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ فَرْحَةً عَلَى امْرَأَةٍ يَبْنِيهَا حُزْمَةً إِلَّا فَرَّحَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

۲. میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵: «رَحِمَ اللَّهُ أَبَا الْبَنَاتِ الْمُبَارَكَاتِ مُحَبَّبَاتٍ وَ الْبَنُونَ مُبَشَّرَاتٍ وَ هُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ.»



خوشا به حال پدرانی که از این نعمت دوست داشتنی بهره‌مندند!

دختر هستی: دوست داشتنی

دُر از خیر و برکت.

۵. گل لطیف

دختران همچون گل بهاری، لطیف‌اند؛ به ظرافت برگ لطیفش. خشن بودن با تو سازگاری ندارد.

امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) زنان را ریحانه معرفی کرده‌اند: «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۱ (زن گل بهاری است، نه قهرمانی زورآزما). او در خانواده مسئولیت‌پذیر است؛ ولی برای انجام دادن کارهای سخت آفریده نشده است. این جایگاه دختر در خانواده است.

تو ریحانه‌ای، نه قهرمان:

درست سل‌صل

۶. دسته گل خوش بو

گل نه تنها زیباست، بلکه عطر خوبی هم دارد. هدیه‌ای است که پروردگار بی‌همتا از بهشت برای بندگان خود فرستاده است.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۰: «لَا تُمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا... فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ...»



خداوند به «جارود منذر» دختری داده بود. او ناراحت بود. امام صادق علیه السلام وقتی او را دیدند، فرمودند: «شنیده‌ام خدا به تو دختری داده است و تو ناراحتی! [خوش حال باش که پروردگار] دسته گل خوش بویی به تو عطا کرده است که عطرش می تواند سرمستت کند و رزقش نیز به دست خداوند متعال است...»^۱

ریکانه خطابت کرد تا عطر وجودت در رفته بوی
و همه را سرمست کند
و هر را بیست.

۷. نیکی ماندگار

خوب بودن، انسان را همیشگی می کند. به سراغ چیزهایی بروید که باقی می ماند، یعنی نیکی های ماندگار. به این کلام خدای مهربان توجه کن:

﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ
عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾^۲

مال و فرزند زینت زندگی دنیاست و باقیات الصالحات

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۶: «تَلَقَّنِي أَنَّهُ وُلِدَ لَكَ ابْنَةٌ فَتَسْخِطُهَا وَمَا عَلَيْكَ مِنْهَا زِيحَانَةٌ تَشْمُهَا وَقَدْ كُفِّتَ رِزْقُهَا وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَبَا بَنَاتٍ.»
۲. کُفِّتَ، ۴۶.



(ارزش‌های پایدار و شایسته) ثوابش نزد پروردگارت

به‌تر و امیدبخش‌تر است!

مشهور است که منظور خدا از کلمه «بَتْنُون» پسران است. اما نیکی‌های

ماندگار یعنی همان «بَاقِیَاتُ الصَّالِحَات» چیست؟

پیامبر مهربانی‌ها ﷺ با کنارهم گذاشتن این کلمات، حقیقتی را برای

پدر و مادرها روشن کرده‌اند: «بَاقِیَاتُ الصَّالِحَات» دختران هستند.^۱

دختران صالح، دخترانی هستند که هم پاداش آن‌ها و هم برکات

نیکی که برای پدر و مادر به‌جامی‌گذارند، ماندگار است.

تو را بَاقِیَاتُ الصَّالِحَات قرار داد تا هم پاداشی باشی برای پدر و مادر
و هم روشن‌کننده چراغ عاقبت آن‌ها!

۸. سرشار از لطف

به‌تر بودن تو نشانه برتری‌ات نیست. دلیل این به‌تر بودن، خصوصیات

ویژه‌ت‌وست.

وقتی به پیامبرمان می‌گفتند کسی دختردار شده است، با نگاهی

۱. میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵: «رَجِمَ اللَّهُ أَبَا

الْبَنَاتِ الْبَنَاتُ مُبَارَكَاتٌ مُحَبَّبَاتٌ وَ الْبَتْنُونُ مُبَشَّرَاتٌ وَ هُنَّ الْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ.»



پدرانه و سرشار از لبخند شادی، دختران را فرزندان خوب معرفی می‌کردند: «نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ».

به‌به! پیامبر یک «خوب‌اند دختران» می‌گفتند و دل عالم را می‌بردند؛ سپس با آهنگی زیبا، ویژگی‌های دختر را معرفی می‌کردند: «مُلَطَّفَاتٌ [مُتَلَطِّفَاتٌ] مُجَهَّزَاتٌ مُنِيسَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِحَاتٌ».^۱

دختران، خوب فرزندان هستند؛ زیرا:

مُلَطَّفَاتٌ اند: سرشار از لطف اند؛

مُجَهَّزَاتٌ اند: آماده کمک [به پدر و مادر] هستند؛

مُنِيسَاتٌ اند: [با پدر و مادر] انس می‌گیرند. حتی وقتی بزرگ شوند و

به خانه شوهر بروند، بیشتر به پدر و مادر انس می‌گیرند؛

مُبَارَكَاتٌ اند: بابرکت اند؛

مُفْلِحَاتٌ اند: نظافت‌گرو ریزین و ظریف کارند.

در جایی دیگر نیز دختران را «مُحَرِّصَاتٌ» و «مُبْدِيَاتٌ» خوانده‌اند:^۲

مُحَرِّصَاتٌ اند: از اهل خانه پرستاری می‌کنند؛

مُبْدِيَاتٌ اند: [در محبت و انس] پیش قدم‌اند.

۱. احمد بن محمد بن فهد اسدی حلی، *عدة الداعی ونجاح الساعی*، ص ۸۹.

۲. میرزا حسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۵، ص ۱۱۵: «نِعْمَ الْوَلَدُ

الْبَنَاتُ مُلَطَّفَاتٌ مُنِيسَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مُبْدِيَاتٌ».



علاوه بر این ویژگی‌ها حضرت امیر علیه السلام نیز از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله دختران را «باکیات» نامیده‌اند؛ زیرا آن‌ها با گریه انس بیشتری دارند.

تورا فرزندی خوب موهبی می‌کنند
تا قدرت را به‌داند و آرامت کنند.

۹. بهتر از هزار چیز

بهتر از هزار چیز بودن، یعنی چیزی با تو برابری نمی‌کند؛ البته اگر خوب تربیت شده باشی. سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همین معنا را می‌رساند؛ آنجا که می‌فرمایند: «کسی که دختری داشته باشد، برای او [در پیشگاه خداوند متعال] از به جا آوردن هزار حج، شرکت در هزار جنگ همراه با پیامبر، هزار قربانی در راه خدا و نیز هزار بار مهمانی دادن بهتر است.»^۲

یا در جایی دیگر می‌فرمایند: «کسی که دختری دارد، خداوند

۱. میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵: «نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطِّفَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مُؤْنِسَاتٌ بَاكِيَاتٌ مُبَارَكَاتٌ.»

۲. سید حسین طباطبایی بروجردی و دیگران، جامع أحادیث الشيعة، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، ج ۲۶، ص ۶۴۸؛ حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵: «مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ وَاحِدَةٌ كَانَتْ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَلْفِ حَجَّةٍ وَأَلْفِ عَزْوَةٍ وَأَلْفِ بَدَنَةٍ وَأَلْفِ ضِيَافَةٍ.»



[به طور ویژه] به او کمک می کند، یاری می رساند، برکت می دهد و می آمرزدش.^۱

مژده رسول مهربانی ها^ﷺ به پدر و مادرانی که سه دختر را نیکو تربیت کنند، شنیده ای؟ این بشارت کافی است تا قدر خودت را بدانی: «هر که موفق شود سه دختر را [به خوبی] سرپرستی کند، سه بوستان بهشتی به او داده می شود که هر کدام از آن ها از همه دنیا و هر چه در آن است، بزرگ تر است.»^۲

تورا بجز از تمام دنیا دانسته است
تا خاص بودن را نشان دهد.

۱۰. برکت آور

ابی هریره روایتی از پیامبر اکرم^ﷺ نقل کرده است که تو در آن برکت آور خانه معرفی شده ای: «خانه ای نیست که دخترانی در آن باشند، مگر

۱. سیدحسین طباطبایی بروجردی و دیگران، جامع احادیث الشیعة، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، ج ۲۶، ص ۶۴۸؛ حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵: «مَنْ كَانَ لَهُ ابْنَةٌ فَأَلَّاهُ فِي عَوْنِهِ وَ نَصَرْتِهِ وَ بَرَكَتِهِ وَ مَغْفِرَتِهِ.»
۲. سیدحسین طباطبایی بروجردی و دیگران، جامع احادیث الشیعة، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، ج ۲۶، ص ۶۵۰؛ میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵: «مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ يُعْطَى ثَلَاثَ رَوْضَاتٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ كُلُّ رَوْضَةٍ أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا.»



اینکه هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان بر آن خانه نازل می شود و [عجیب تر آنکه] زیارت فرشته ها از این خانه [و خانواده] قطع نمی شود و برای پدرشان [که حق تربیتی آن ها را ادا کند]، در هر روز و شب، عبادت یک سال را می نویسند.^۱

جاسعادت را منبعی برای برکت قرار داد
تا فرشتگان را برای زیارت تومآور کند.

۱. تاج الدین محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۰۵ و ۱۰۶: «ما من بیّت فیهِ البَناتُ إِلَّا نَزَلَتْ كُلُّ یَوْمٍ عَلَیْهِ اثْنَا عَشْرَةَ بَرَكَةً وَ رَحْمَةً مِنَ السَّمَاءِ وَ لَا یَنْقَطِعُ زِیَارَةُ الْمَلَائِكَةِ مِنْ ذَلِكَ الْبَیْتِ یَكْتُبُونَ لِأَبِیْهِمْ كُلُّ یَوْمٍ وَ لَیْلَةٍ عِبَادَةَ سَنَةٍ.»



ریحانه الهی

خدا مهربان است و با تو مهربان تر.
 لطافت تو نشانه ای از مهربانی خداست.
 تو آیه و علامتی شدی بر مهربانی خدا.
 خدا تو را انتخاب کرد برای پدر و مادرت.
 فهمیدن جایگاه تو کار سختی نیست. دیدن نشانه ها و صفاتی که در
 توست و خواندن پیام های رسیده از آسمان، همه و همه راهنمایی است
 که تو را به خودت نشان می دهد. خلقت تو علامتی است بر کرامت و
 شفاعتی است برای پدر و مادرت.



خدا تو را برای پدر و مادرت این گونه پسندید

تو دختری! دختر بودن وظیفه کمی نیست. خواهر بودن هم کار هر کسی نیست. می خواهی بدانی خدا تو را در خانه چگونه می پسندد؟ خدا تو را برای اهل خانه این گونه پسندیده است: کمک حال مادر، مهربان به پدر، غم خوار اهل خانه، شور و شوق خانه، هنرمند و ... بعضی از دخترها هستند که به خانه رنگ و بوی دیگری می دهند: با همه مهربان اند، همه دوستشان دارند، مثل گل به خانه طراوت و شادابی می دهند و در دل همه نفوذ می کنند؛ طوری که اگر در خانه نباشند، انگار همه، چیزی گم کرده اند و چراغ خانه کم سو شده است! مگر این دختر چه کار کرده است؟ چه کار کرده است که این قدر همه برایش دست و پا می شکنند؟ رفتارش چه طور بوده که این قدر توی دل همه نفوذ کرده است؟

شاید فکر کنی این یک دختر ایدئال است یا زندگی ایدئالی دارد که هیچ مشکلی در آن نیست. حتماً با بایش خیلی دوستش دارد و زیادی مهربان است. حتماً مامانش خوب است یا برادرش با بقیه برادرها فرق دارد و همیشه مواظب خواهرش است. چه می دانم! حتماً چیزی

هست؛ وگرنه این طوری نمی شد. بعد هم این طور نتیجه بگیری و با خودت بگویی: «خُب همه که در این موقعیت ها نیستند. من هم اگر جای او بودم، همان طور بودم.»

باور کن خیلی وقت ها این طور نیست. مگر می شود در هیچ خانه ای غم نباشد یا همه چیز سر جای خودش باشد؟! قطعاً در همه خانه ها مشکلاتی هست. ممکن است این دختر هم مشکلاتی داشته باشد و ممکن است برادران او هم بداخلاق باشند؛ اما این دختر به شکل دیگری با همه چیز رفتار می کند: دلش می خواهد از استعدادی که خدا به او داده است، خوب استفاده کند. با اینکه بابایش مشکلات مالی و اقتصادی دارد و با اینکه بابایش ممکن است تند و خشن باشد یا مادرش ناراحت، این دختر همیشه تلاش می کند با محبت کردن، فضای خانه را عوض کند.

دوست داری تو هم مثل این دختر باشی؟ دختری با خصوصیات خودش، دختری با صفات دوست داشتنی... دختر بودن کار سختی نیست. خودت هم می دانی. فقط باید دقتت را بیشتر کنی. ببین در وجودت چه چیزی داری که می توانی با آن به همه نشان بدهی باعث شادی زندگی شان هستی.

ویرگی دفتر در خانه، محبوبانی او است.

این را از خدا به امانت گرفته است.

مهر و عطوفت استعدادی است که خدا به دختر داده است تا هر وقت دوست داشت، از آن استفاده کند. مهربانی ابزاری است که دختر با آن می‌تواند جای خیلی چیزها را در زندگی پر کند.

انرژی مثبت دادن هنر دختر است. تزریق ویتامین شادی و خوشی در خانه، کار دختر است. دختر با وجود این اخلاق، می‌تواند مشکلاتی را که برای هر کدام از برادر و خواهرهایش یا حتی پدر و مادرش پیش می‌آید، از بین ببرد. این، معجونی است شفا بخش برای همه. برای دختر هم مثل میدان مسابقه است که می‌تواند در آن به قهرمان اصلی تبدیل شود.

وقتی پسری سر موضوعی با بابا حرفش می‌شود و حاضر نیست کوتاه بیاید و نزدیک است که قهر کند و...، ورود مهربانانه خواهرش تأثیر زیادی دارد. حتی شاید قبلاً با برادرش دعوا هم کرده باشد و دل پُری از او داشته باشد؛ اما اینجا جای تلافی نیست: جای استفاده از استعداد است که برود و با یک جمله دل او را نرم کند.

اگر دختری از حرف‌های ماما یا بابایش یا حتی برادرش خسته شود و مدام با آن‌ها لج کند یا بگوید: «اینا خیلی به من گیر می‌دن!» چه کسی بهتر از یک خواهر مهربان می‌تواند با گرفتن دست‌های او در دست‌های خودش یا حتی بغل کردن او، خواهرش را آرام کند؟ این همان معجزه خواهر بودن است.

این، معجون مهربانی یک خواهر است برای برادر و خواهرش.

چه شجاعتی بالاتر از اینکه هر روز دست پدر و مادرت را ببوسی و چه کسی شایسته تر از آن‌ها برای دست‌بوسی. بوسیدن دست پدر و مادر در مناسبت‌های مختلف، باعث افزایش محبت تو به والدین و بیشتر شدن تواضع در مقابل آن‌ها خواهد شد. در اهمیت این عمل، همین بس که امام علی (علیه السلام) بوسیدن پدر و مادر را عبادت دانسته‌اند.^۱

با فُورَت به خانه هُو و عَطوفَت می‌جُسی.
وَتی هستی، اِنکار هم‌چیز در جای فُورَتِ اوست:
هوبانی، عشق، صفا و...
سعی می‌کنی هم با هم هوبان باشند
و تو سر آغاز این هُو هستی.

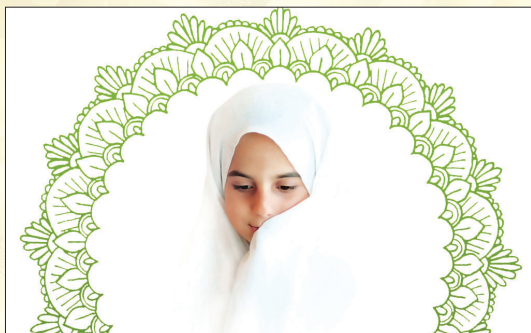
۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، ج ۱، ص ۴۲۲:
«قُبْلَةُ الْوَلَدِ رَحْمَةٌ... وَ قُبْلَةُ الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ...».

۱. کمک حال مادر

تو جزو آن دسته دخترانی هستی که اگر روزی مهمان داشته باشند، خیال مادرشان راحت است؟ مادرهای این دخترها می دانند که با وجود دخترشان کارها برایشان راحت تر خواهد بود و به چنین فرزندى افتخار می کنند. وقتی که می بینند خانه از تمیزی برق می زند، در دل می گویند: «دخترم برای خودش خانمی شده است.»

باز فکر نکن این یک دختر ایدئال است که در افسانه ها یافت می شود. نه، این، دختر وظیفه شناس خانه است. درست است که بعضی وقت ها درس دارد یا خسته است؛ اما درس خواندن برای او تنها وظیفه یا نقش همیشگی اش نیست تا همه زحمات خانه بردوش مادر باشد و او مصرف کننده خدمات. اگر مادر فقط به کارهای خودش پردازد و وظیفه مادری خود را در قبال تو انجام ندهد، چقدر شاکی می شوی؟ چقدر او را به بی خیالی متهم می کنی؟ بالاخره هر کدام از ما وقتی در خانه هستیم، وظایفی را هم برعهده داریم. همه چیز به عهده مادر یا پدر نیست.

شک نکن اگر با وجود همه خستگی و تمام درس هایت، کمک حال مادرت باشی، خدا به وقتت برکت می دهد و در درس هم موفق تر خواهی بود.



۲. مهربان به پدر

پدرت تو را با چه ویژگی‌هایی می‌شناسد؟ دختر مهربون بابا؟
دختر هم‌زبون بابا؟ دختره چشم‌سفید؟ دختره سربه‌هوا؟ دختره
حرف‌گوش نکن؟

چه تصویری از بابا در ذهنت بیشتر مانده است؟ وقتی بابا را می‌بینی،
چه کار می‌کنی؟

نکند تو از آن دسته دخترانی هستی که حوصله دیدن پدرشان را
ندارند و تا پدر می‌آید، زود به طرف اتاقشان می‌روند تا او را نبینند!
یا اینکه از ترس، خودت را جلوی او آفتابی نمی‌کنی یا نه، مثل
بعضی‌های دیگر اصلاً از جای خودت تکان نمی‌خوری و اگر بابا از تو
احوالی پرسید، از روی اجبار، سری تکان می‌دهی!

شاید هم از آن دخترانی هستی که این قدر پدر را دوست دارند که تا به خانه می‌آید، با او گرم می‌گیرند و با گفتن یک «خسته نباشید»، خودشان را بیشتر از همیشه در دلش جا می‌کنند.

نوعی جاذبهٔ ناخودآگاه، پدر و دختر را به هم متصل کرده است. آن‌ها با هم عالمی دارند. دختر از بچگی او را دوست دارد؛ چون پدر برایش مثل کوه است و بودنش او را دلگرم می‌کند. هستی خود را مدیون او می‌داند. لبخندی که به صورت پدر می‌زند، تمام خستگی کار و زندگی را از تن او بیرون می‌کند. بابا برایش نماد ترس نیست؛ بلکه مظهر عشق است.

نگو که این، کار دخترلوس‌هاست. اگر می‌دانستی وقتی دختری به طرف پدرش می‌رود تا هرچه را خریده است، از دستش بگیرد، چه حسی به او دست می‌دهد، این کار را جزو برنامه‌های همیشگی خودت قرار می‌دادی. با این کار تو، پدرت خوش حال می‌شود و می‌گوید: «دختری بزرگ کرده‌ام که الحمدلله مرهم دلم شده است.»

اگر بدانی چقدر از باباگفتن تو لذت می‌برد! این واژه برای او دل‌نشین‌ترین کلمه‌ای است که در عمرش می‌شنود؛ پس همیشه پدرت را با لفظ «بابای خوبم» یا «بابای عزیزم» صدا کن یا لااقل بگو: «باباجان!» او با این اسم، احساس محبت می‌کند.

ماجرای مردی که از حضرت رسول ﷺ دربارهٔ حق پدر بر فرزند پرسید، شنیده‌ای؟ پیامبر اکرم ﷺ در جواب او فرمودند: «پدرش را با نامش

صدا نزنند. جلوتر از او راه نرود. قبل از او ننشینند و [با انجام کارهای ناشایست] باعث نشود که [مردم] پدرش را دشنام دهند.»^۱

دربارهٔ احترام بی‌پایان حضرت زهرا علیها السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه چیزی شنیده‌ای؟ ادب ایشان در برابر پدرشان به اندازه‌ای بود که هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله نزد دخترشان می‌رفتند، حضرت زهرا علیها السلام تمام قد به احترام پدرشان از جا بلند می‌شدند و به استقبال ایشان می‌رفتند. بر دست پدر بوسه می‌زدند و عبا از دوش ایشان بر می‌داشتند و نعلینشان را به کناری می‌گذاشتند و دوباره در جای خود و روبه‌روی پدر می‌نشستند.

کسی که با پدر خود با رفتاری تند و زننده برخورد می‌کند و به او بی‌احترامی می‌کند، مانند کسی است که بر سر شاخه نشسته و دارد آن را از ته قطع می‌کند. به این جملهٔ زیبای پیامبر عزیزمان صلی الله علیه و آله توجه کن: «دوستی پدر را حفظ کن و رشتهٔ محبت او را قطع نکن که [اگر چنین کنی،] خداوند نور تو را خاموش می‌کند.»^۲

و باز همین بزرگوار صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «خشنودی خداوند در خشنودی والدین است و خشمش نیز در خشم آنهاست.»^۳ این هم فرمودهٔ خود

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۸ و ۱۵۹: «لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَلَا يَسْتَيْسِبُ لَهُ.»

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۱۷۲: «احفظ ودأبيك لا تقطعه فيطفي الله نورك.»

۳. میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۶: «رَضِيَ اللَّهُ فِي رَضَى الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُهُ فِي سَخَطِهِمَا.»

خداوند است که: «من از کسی که پدر و مادرش از او راضی باشند، راضی هستم.»^۱

پس مراقب باش که «رفتارت را با آن‌ها نیکو کنی و مجبورشان نکنی چیزی را که نیاز دارند، از تو بخواهند؛ بلکه باید پیش از آنکه تقاضا کنند، نیازشان را برطرف کنی. حتی اگر ناخواسته دلتنگ کردند، مواظب باش که هرگز صدایت را از صدایشان بالاتر نبری و کمترین بی‌احترامی هرچند در حد یک اُف گفتن هم از تو سر نزنند. خیره خیره و جز با مهربانی و از سر دلسوزی به والدینت نگاه نکن و در هیچ کاری بر آن‌ها پیشی نگیر.»^۲ اگر گاهی حق با توست، در برابر سخنانشان سکوت کن و به آن‌ها احترام بگذار. اگر هم کاری کردند که موافق میل تو نبود، مبادا آن‌ها را سرزنش کنی!

تا حالا فکر کرده‌ای که تو بابا را به چه صفاتی می‌شناسی و بابا در چه فکری است؟

تابه حال به دست‌ها و چشم‌های خسته او نگاه کرده‌ای؟ چه دیده‌ای؟ اصلاً دیده‌ای یا خواسته‌ای ببینی؟ تابه حال سعی کرده‌ای خودت را جای او بگذاری؟

۱. میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۶: «أَنَّ أَوَّلَ مَا كَتَبَهُ اللَّهُ فِي اللَّوْحِ الْمُحْفَوظِ إِنِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا مَنْ رَضِيَ عَنْهُ وَالِدَاهُ فَأَنَا عَنْهُ رَاضٍ».

۲. نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۷ و ۱۵۸: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ مَا هَذَا الْإِحْسَانُ فَقَالَ الْإِحْسَانُ أَنْ تُخَيِّرَ صَخْبَتَهُمَا وَأَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَخْتَاجَانِ إِلَيْهِ وَ...».



معلوم است که نمی شود؛ پس دقت کن! مهربانی و تشکر تو از او بابت همه چیز، بابت بودنش و بابت دست های گرمش و بابت... خستگی را از دلش می برد. وقتی که این کار را می کنی، حتی اگر به روی خودش هم نیاورد، قند در دلش آب می شود که دخترش او را درک می کند و قدرش را می داند.

بگذار کلام دیگری را از زبان امام مهربانمان علی بن موسی الرضا علیه السلام

بشنویم:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ
وَالزَّكَاةِ فَكَفَى صَلَّى وَلَمْ يُزَكَّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ
لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ فَكَفَى لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَأَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ
وَصِلَةِ الرَّحِمِ فَكَفَى لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

خداوند متعال به سه عمل فرمان داده است که همراه سه عمل دیگرند: به سپاسگزاری از خودش و پدر و مادر فرمان داده است؛ پس هرکس از پدر و مادرش تشکر نکند [و زحمتهای آنان را ارج نگذارد]، چنین شخصی در واقع از خدای خویش هم سپاسگزاری نکرده است

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۵۳۲ و ۵۳۳؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۵.

۳. غم خوار پدر و مادر

به دنیا که آمدی، همه ذوق کردند که چقدر دوست داشتنی است! بعد هم به پدر و مادرت تبریک گفتند که دختر غم خوار پدر و مادر است و در زمان تنهایی، برای آن‌ها مونس خوبی است.

حالا که بزرگ شده‌ای، می‌دانی غم خوار بودن یعنی چه؟ اصلاً چرا تو را به این ویژگی می‌شناسند؟

غم خواری یعنی کسی را در سختی‌ها درک کردن و در ناراحتی‌ها مرهم دل کسی بودن.

بیا با هم چند نمونه غم خواری را مرور کنیم: وقتی بیایی خانه و ببینی مادرت، همان مادر روز قبل نیست و حوصله‌ات را ندارد یا فکرش مشغول است، چه احساسی به تو دست می‌دهد؟ دلت می‌خواهد او را از این حالت در بیاوری؟

اصلاً برایت مهم است که مادرت چه حالی دارد؟ چه کاری به نظرت در این موقع صحیح‌تر است: رفتن و تنها گذاشتن او؛ چون فکر می‌کنی نمی‌توانی تأثیری در تغییر حالت او بگذاری یا اینکه سریع از مادرت می‌پرسی: «امروز چه شده؟ چرا این قدر بی‌حوصله‌اید؟»

شاید هم برایت اهمیتی ندارد و بی‌خیال از کنار این قضیه رد می‌شوی یا چون مامانت دفعه قبل سر مسئله‌ای با تو حرفش شده است، تو هم بی‌توجه به او، سرکار خودت می‌روی و می‌خواهی تلافی کنی! احتمالاً تو هیچ‌کدام از این کارها را انجام نمی‌دهی؛ بلکه ترجیح



می‌دهی بعد از عوض کردن لباس‌هایت، صورت مادرت را ببوسی و با مهربانی دخترانه‌ات، اول مادرت را بخندانی و بعد پیرسی: «مامان خوبم، امروز چی شده که دختر قشنگت رو تحویل نگرفتی؟» بعد هم هرطور که می‌توانی، او را از این وضعیت خارج می‌کنی و به حرف‌ها و درد دلش گوش می‌دهی.

حالا بیا به این فکر کن: زمانی برایت پیش آمده است که به پول نیاز داری تا با دوستت یا دخترخاله‌ات به خرید بروی یا کسی از هم‌سن و سالانت چیزی مانند مانتو یا موبایل خریده است و تو آن را نداری. در همین حال از مادرت می‌شنوی که پدرت وضع مالی خوبی ندارد. در این وضعیت چه کار می‌کنی؟

بعضی دخترها بی‌خیال وضع مالی پدر و خانواده، صدایشان را بلند می‌کنند یا شروع می‌کنند به گریه کردن: «فلانی فلان چیز را دارد، من هم می‌خواهم. به من ارتباط ندارد که شما پول ندارید. شما اصلاً من را درک نمی‌کنید. همیشه به فکر خودتان هستید. ببینید مردم برای دخترهای خودشان چه کارها که نمی‌کنند. شما برای من چه کار کرده‌اید؟ چرا وقتی نوبت من می‌شود، همیشه می‌گویید پول نداریم؟...»

امیدوارم تو از دسته دیگر باشی؛ یعنی آن دخترانی که درباره موقعیت مالی پدرشان فکر می‌کنند. اگر از این دسته باشی، سعی می‌کنی با او همدردی کنی. خودت را باری بر خرج‌های او قرار نمی‌دهی و از

چیزهایی که دوست داشتی بخری، صرف نظر می‌کنی تا بتوانی در خانه سهمی مهم به عهده بگیری. این طوری پدر و مادرت می‌فهمند که تو چقدر بزرگ شده‌ای و آن قدر خوب وضعیت را درک می‌کنی که به جای اینکه به فکر خودت باشی، نگران وضع خانواده هستی و سعی می‌کنی با چشم‌پوشی از خواسته‌های خودت، فشار کمتری به خانواده وارد کنی. این، نشانه بلوغ فکری و عاطفی توست.

باید به خودت بقبولانی که: «الان باید در خرج کردن برنامه‌ریزی داشته باشم. اگر چیزی را نیاز ندارم، نخرم یا اگر چیزی را اضافه دارم، فعلاً به همان بسنده کنم. از خرج‌های اضافی باید پرهیز کنم و تمام پول توجیبی‌هایم را یک مرتبه خرج نکنم و به روز مبادا هم فکر کنم.» با این روش می‌توانی قناعت کردن را هم یاد بگیری و بفهمی صرفه‌جویی کردن یعنی چه.

۴. هنرمند خانه

فکر می‌کنی تو جزو کدام دسته از دختران هستی؟ آن‌هایی که برای انجام هر کاری بهانه می‌آورند و خود را به راهی دیگر می‌زنند، انگار تافته جدا بافته از خانواده هستند و هر اتفاقی افتاد، به آن‌ها ربطی ندارد؟ این‌ها فقط و فقط به خودشان و سرو وضعشان اهمیت می‌دهند و هیچ کاری با بقیه ندارند. از اول، تکلیفشان را با همه چیز و همه کس روشن می‌کنند و کار نمی‌کنند تا لازم نشود که تا آخرش بروند. خودشان را



مشغول آینه و تپشان می کنند که بسنجند صبح چطوری از خانه بیرون بروند؟ کدام مانتو با کدام روسری یا مقنعه به هم می آید؟ چه تیپی بزنند که چشم دوستانشان از حدقه در بیاید؟ این طور دغدغه ها می شود دنیای آن ها و هدفشان از زندگی!

دسته دوم دخترانی هستند که اگر روزی در خانه باشند و در کارها کمک کنند یا فقط کار کوچکی انجام بدهند، سر همه منت می گذارند. انگار کوه کنده اند!

این ها دوست دارند همه چیز تمیز و زیبا باشد و هر چیزی در جای خودش قرار داشته باشد. با همه هم مدام دعوا می کنند که چرا اینجا کثیف است یا چرا اینجا تمیز نیست و چرا همه چیز به هم ریخته است. حالا این به کنار، همیشه توقع دارند مادرشان همه کارها را بکند و آن ها هم گاهی اگر حال و حوصله داشتند، کمکی بکنند. در

یک کلام، مدام در حال ایراد گرفتن از همه هستند. دیگر همه آن‌ها را شناخته‌اند: «دختر عُرْغُرو.»

دسته دیگری هم هستند که همه کارها در خانه به آن‌ها ارتباط پیدا می‌کند. اگر نباشند، مادرشان دست به دکوراسیون خانه نمی‌زند و صبر می‌کند تا بیایند، از بس که خوش سلیقه و مرتب‌اند. این‌ها هروقت می‌خواهند به مهمانی بروند، اول به سرو قیافه مامان و بابا توجه می‌کنند و بعد به خواهر و برادرشان. نه اینکه دخالتی در کار آن‌ها بکنند؛ بلکه از بس اهل خانه به نظرشان احترام می‌گذارند و برایشان مهم است که این دختران چه پیشنهادی دارند، این کار را می‌کنند. این طور دخترها دیگر یک پای خانه‌اند. آوازه‌شان در فامیل و آشنا پیچیده است: «دختر فلانی خیلی خوش سلیقه‌ست. از هر انگشتش یک هنر می‌باره. خیلی هم برای مامان و باباش احترام قائله ...»
تو از کدام دسته‌ای؟

می‌دانستی آن روزها هروقت می‌خواستند به خواستگاری دختری بروند، اول از همه، از هنرهای دختر و بعد از آشپزی او می‌پرسیدند و می‌گفتند: «دختر شما چه هنری بلد است؟»
پدر و مادر دختر هم می‌گفتند: «دختر ما از هر انگشتش یک هنر می‌باره.» دورتادور خانه هم پر بود از هنرهای دختر: گل دوزی، بافتنی، خیاطی و ...



فکر می‌کنی هنرهایی که دختران امروزی یاد می‌گیرند، چقدر برای زندگی مشترکشان مناسب است؟ اصلاً چقدر برای خودشان مفید است؟ چقدر به فکر یاد گرفتن هنر خانه‌داری هستند؟ تو چگونه؟ چقدر تلاش کرده‌ای؟

۵. شور و شوق خانه

تمام شور و شوق خانه به سروصدای بچه‌هاست. اگر بخندند، همه می‌خندند و اگر شاد باشند، پدر و مادر و بقیه هم شادند. حتی زمان‌هایی که مشکلی برای پدر پیش بیاید یا مادر از چیزی ناراحت باشد، آن‌ها هستند که می‌توانند حال و هوای خانه را با خنده‌ها و شور و شوقشان و بالاخره با تعریف‌هایشان از این طرف و آن طرف عوض کنند. دختران در این وضعیت، بهترین گزینه برای شروع شادی در خانه هستند.

وقتی در خانه هستی، چه کار می‌کنی؟ از آن دخترهایی هستی که همیشه خودش را در اتاق حبس می‌کند و با کسی از خانواده هم صحبت نیست؟ بابا و ماما از دنیای دیگری هستند و تو هم از دنیایی دیگر؟!

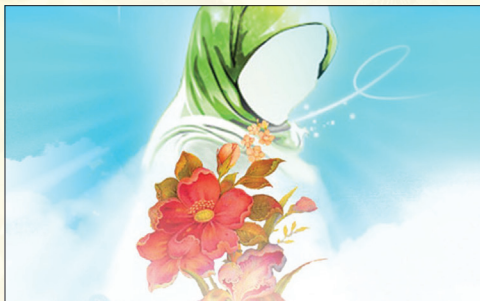
بابای چنین دختری، وقتی که از بیرون به خانه می‌آید، سراغش را از مادر می‌گیرد و دختر اصلاً به روی خودش هم نمی‌آورد! حوصله هیچ‌کس و هیچ چیز را ندارد. با یک من عسل هم نمی‌شود او را خورد.

یا نه، برعکس این هستی؟ بعضی از دخترها وقتی در خانه هستند، همه شاداند. از در که وارد می شوند، باید حرف بزنند. انگار این وظیفه اصلی آنهاست. همه را به حرف می آورند. وقتی وارد خانه می شوند، بلند به همه سلام می کنند. عاشق بوسیدن روی مادر و پدرند. اگر در روز به پدرشان تلفن نکنند، آرام نمی گیرند. مامان و بابا هم طاقت دوری آنها را ندارند. با یک جمله ساده و قشنگ، خستگی را از تن آنها بیرون می کنند. غذای دست پخت مامان را با اشتها می خورند و به بابا می گویند: «چقدر دلم از این میوه هایی که خریدید، می خواست.» فقط با یک جمله ساده فضا را لطیف می کنند! نه برای لوس کردن خودشان؛ بلکه به خاطر عشقی که به مادر و پدر خود دارند.

تو به کدام یک از این دخترها رأی می دهی؟
اصلاً در کدام موقعیت هستی؟

تا حالا تلاش کرده ای که شبیه کدام یک از این ها باشی؟

اگر بخواهم از ثمرات نیکی به والدین بگویم، تمامی ندارد و در این نوشته کوتاه نمی گنجد. کم نیست کتاب های خوبی که می تواند راهنمایی ات کند. فقط همین قدر بگویم که فرزندان صالح از هر فرصتی برای شاد کردن پدر و مادرشان بهره می گیرند؛ چون می دانند اگر فرزند خوبی نباشند، در هیچ جایگاه دیگری هم خوب بودن را تجربه نخواهند کرد.



رهاورد این سفر

نتیجه هم‌سفری من و تو در این سطرها این هاست:
 اول اینکه، تا حدودی با مقام و نقش در این هستی آشنا شدی و
 شنیدی که چه جایگاه ویژه‌ای داری:
 خداوند هدیه قرارت داد تا نشانه لطفی دیگر باشد؛
 انتخاب خدا بوده‌ای: «به هرکه بخواهد، دختر می‌دهد و به هرکه
 نخواهد، نمی‌دهد»؛



خدا مهربان تر است با تو تا مهربان تر باشند با تو؛
دوست داشتنی و پُر از خیر و برکت آفریده شده‌ای؛
ریحانه خطاب شده‌ای تا عطر وجودت در خانه بپیچد و همه را
سر مست کند؛

تو را فرزندی خوب معرفی کرده‌اند تا قدرت را بدانند و اکرامت کنند؛
خالقت تو را بهتر از تمام دنیا دانسته است تا خاص بودنش را نشان
بدهد؛

پروردگار جایگاهت را منبعی برای برکت قرار داده است تا فرشتگانش
را برای زیارت تو مأمور کند.

باور کن اگر خواهی، تمام این‌ها هستی! قدر تو این‌هاست! پس
صواب به صورت با سُر رکّنه (الحی)!

دوم اینکه، مقام و جایگاهت را در خانه و وظایف را در برابر اهل خانه
شنیدی و دانستی که در میان اعضای خانواده چه موقعیت حساس و
ویژه‌ای داری. نه من دوست دارم حرف تکراری بزنم، نه تو دوست
داری حرفی را دوباره و چندباره بشنوی؛ اما چه کنم، خودِ خدا هم این
حرف‌ها را بارها و بارها گفته است تا ما بفهمیم که چقدر مهم‌اند. بیا

یک بار دیگر وظایف اصلی‌ات را خلاصه و با بیانی تازه مرور کنیم:

آیا می‌دانی نگاه به روی پدر و مادر از روی محبت، عبادت محسوب می‌شود؟ هر فرزند صالحی به والدینش نظر پُر مهر بیفکند، خداوند به او در برابر هر نگاه، پاداش یک حج پذیرفته شده می‌دهد؛ هرچند این نگاه روزی صدها بار تکرار شود.^۱ معنای این نوید پیامبر عزیزمان ﷺ این است که ما می‌توانیم هر روز بارها و بارها کوله بارمان را پر کنیم از پاداش الهی؛ همچنان که در مقابل در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «اگر فرزندی تندوتیز به پدر و مادر نگاه کند، هرچند در حق او ظلم کرده باشند، خداوند نمازش را نخواهد پذیرفت.»^۲

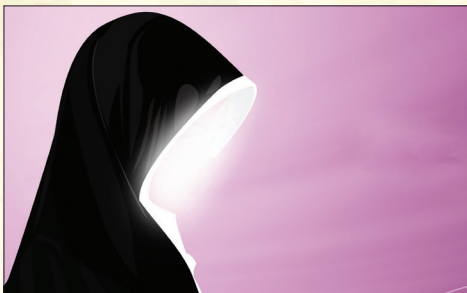
حتماً شنیده‌ای که آن یگانه بی‌همتا دربارهٔ جایگاه پدر و مادر فرموده است اگر آن‌دو را شکر کنیم، خدا را شکر کرده‌ایم: «إِنْ أَشْكُرْ لِي وَ لِرِوَالِدَيْكَ»^۳

این پیغام خدای مهربان است که جز او را نپرستیم و به پدر و مادرمان نیکی کنیم و هرگاه یکی از آن‌دو یا هر دوی آن‌ها به سن پیری رسیدند،

۱. نک: محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۳۰۷ و ۳۰۸: «مَا وَلَدَ بَارٌّ نَظَرَ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِلَى أَبَوَيْهِ بِرَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَبَّةٌ مَبْرُورَةٌ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةَ نَظْرَةٍ قَالَ نَعَمْ اللَّهُ أَكْثَرُ وَأَطْيَبُ.»

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹: «مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبَوَيْهِ نَظَرَ مَاقَتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً.»

۳. لقمان، ۱۴.



به آن‌ها کمترین امانتی نکنیم و لطیف و سنجیده و بزرگوارانه با آنان سخن بگوییم. خالق مهربانمان از ما خواسته است که بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر والدینمان فرود آوریم و از او بخواهیم که آن‌ها را از رحمتش برخوردار کند: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَقُ وَلَا تنهَرهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا* وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾

مهربان هستی بخش به دوستی پدر و مادر امر کرده است؛
 پس دوستانِ برابر، الرضا را دوست داری.



خواستم دست‌های امید و آرزویت را برای داشتن آینده‌ای خوب به یک طناب محکم و مطمئن برسانم: دعای خیر پدر و مادر!

باور کن اگر هزاران پا برای رفتن مسیرهای موفقیت در زندگی دست‌وپا کنی و هزاران دست، یاور و پشتیبانت باشند، بدون دعای آن دو گوهر به جایی نمی‌رسی!

قدیمی‌ها اگر دختری خیلی شاد بود یا زندگی شیرینی داشت، می‌گفتند: «حتماً دعای خیر پدر و مادرش دنبالش بوده!»

خیلی‌ها از همین دعاها عاقبت به خیر شدند و خیلی‌ها از همین دعاها به جاهایی رسیدند که گاهی به گمان خودشان هم نرسیده بود.

اگر برای پدر و مادر دخت‌پسنیده‌ای باشی، می‌توانی برای برادران و خواهرانت هم خواهر خوبی باشی و آن وقت است که می‌توانی دل آرام برادر باشی و مونس تنهایی خواهر.

فراوان نلج که وظیفه اول تو در خانه، دفر خوب بودن است.



دختری محبوب خدا

بعد از این مسیری که باهم پیمودیم، شاید دلت بخواهد با دختری آشنا شوی که تمام خوبی‌های یک دختر را به نیکی و کمال نشان داده است. اگر این طور است، قدری دیگر تحمل کن و این چند سطر باقی مانده را هم بخوان. می‌خواهم برایت از دختری بگویم که از دختر خوب بودن، به بنده خوب بودن رسید!



حُسن مَطْلَع ذی قَعده است

ماه ذی قعده که طلوع می کند، چشم خورشید به خانه موسی بن جعفر علیه السلام روشن می شود. در شهر مدینه، چشم بانوی بزرگ اسلام، نجمه علیها السلام به فرزند ی روشن می شود که همانم فاطمه علیها السلام است. آری! فاطمه علیها السلام دختر موسی بن جعفر علیه السلام در اولین روز از ماه ذی قعده سال ۱۷۳ ق به دنیا آمده است. ۲۵ سال از تولد فرزند یگانه موسی بن جعفر علیه السلام حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام گذشته است. امام کاظم علیه السلام را فرزندان دیگری هم هست؛ اما گویا پس از علی بن موسی الرضا علیه السلام این دختر، لطف و صفا و کرامت دیگری دارد. این روز برای امام کاظم علیه السلام گویا بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت است برای پیامبر صلی الله علیه و آله. این روز حُسن مَطْلَع همیشه ذی قعده است تا هماره زمان.



تربیتش رضوی است

سالی که در آن، این دردانه دختر متولد شده است، سالی است پراز غم: سال ۱۷۳ق از سال های غربت و هجرت و رنج و زندان موسی بن جعفر علیه السلام است. این فاطمه که بعدها معصومه، طاهره، محدثه، شفیعہ، رضیہ و مرضیہ نام گرفت، ده سال ابتدای عمر کوتاه بیست و هفت ساله اش را در زمان پدر بزرگوارش سپری می کند. چهار سال یا هفت سال از این مدّت، امام کاظم علیه السلام یا در زندان اند یا مخفیانه زندگی می کنند و این یعنی این دختر تازه چشم به جهان گشوده، کمتر چشمش به جمال پدر روشن می شود. یعنی برادر بیست و پنج ساله اش، امام رضا علیه السلام برای او جایگاه پدری دارد و مسئولیت اصلی تربیتش به عهده ایشان است و این یعنی همان حکایت حسین علیه السلام و زینب علیه السلام: همان پیوند عارفانه، همان عشق الهی بین یک برادر و خواهر آسمانی!

آری، بانوی کرامت را در روزهای هجران پدر، تنها و تنهاتنها جوار رضا و عشق و محبت به برادر آرام می کرد و خاطر آزرده اش را تسلی می داد. معصومه علیه السلام با رضا علیه السلام رشد می کرد و با رضا علیه السلام اوج می گرفت و قله های عصمت و طهارت را در می نوردد.



تاریخ ننوشته است که در مکتب تربیتی عالم آل محمد ﷺ این بانوی بزرگ چگونه رشد کرده و بالیده است؛ اما در لابه لای سطورش می توان ردّ پای این تربیت الهی را دید: او کسی است که در سنین کودکی پاسخ گوی پرسشات فقهی و کلامی است و در غیبت پدر و برادرش، از پس پرده عصمت و حیا، پاسخ گوی عالمان دینی می شود و آنگاه که علمای دین، قصه را برای پدر می گویند و پدر صحت پاسخ های دختر دانشمند و عالمه اش را می شنود، سه بار می گوید: «فداها أبوها!» (پدرش به فدایش!) این همان جمله پیامبر اکرم ﷺ است درباره فاطمه زهرا! ﷺ



آینه تمام نمای مادر است

شناخت این دختر که از سوی مربی بزرگوارش امام رضا ﷺ، لقب معصومه یافته است، کار دشواری است. فقط می دانیم تربیت این فاطمه دوم در سایه عنایت دو امام معصوم ﷺ، از او بانویی ساخته است که کمتر زنی از زنان عالم به قدر و منزلتش می رسد! مقام و جایگاهی که او در عالم دارد، به خاطر مقام مادری یا زحمات همسری نیست؛ بلکه هر چه دارد از نیک دختری و به بندگی است.

عظمت فاطمه معصومه علیها السلام فقط به دختر و خواهر امام بودن هم نیست. او مقامات علمی و معرفتی و مراتبی از عصمت دارد که مخصوص خود اوست، درست مانند جدّه اش فاطمه علیها السلام که عظمتش فقط به خاطر دختری پیامبر صلی الله علیه و آله و همسری علی علیه السلام و مادری امامان معصوم علیهم السلام نیست: عظمت فاطمه زهرا علیها السلام نیز به خاطر عظمت خود این بانوست.

اینک این دختر، با همین نام، آیینۀ تمام نمای مادر است. معصومه علیها السلام، فاطمه دوم است: مراتب والایی از عصمت و طهارت دارد که حتی یک مکروه هم از او سر نزده است. از اولیای والامقام الهی است که در مقام قرب مخصوص حضرت حق جای دارد. او را باید آیینۀ جمال و کمال حضرت زهرا علیها السلام و تجلی آن حضرت دانست.

بله! فاطمه معصومه علیها السلام کسی است که در زیارت نامه اش از زبان امامی معصوم، یعنی امام رضا علیه السلام می خوانیم: «لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنٌ مِنَ الشَّأْنِ» (تو را نزد خدا جایگاهی بس بلند و رفیع است).

او کسی است که در زیارت نامه اش می خوانیم: «يَا فَاطِمَةُ اَشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ». ^۲ (یا فاطمه، برای من در بهشت شفیع باش!) یعنی مقام فاطمه معصومه علیها السلام آن قدر عظیم است که شفاعتش فقط در دنیا نیست! فقط برای روز قیامت نیست! او حتی در بهشت هم از بهشتیان شفاعت می کند و به شفاعت او بهشتیان به درجات برتر بهشتی می رسند!

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۷۲۷.

۲. عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۷۲۷.

دختر موسی بن جعفر علیه السلام صاحب شفاعت گسترده‌ای است که تمام شیعیان را شامل می‌شود. این مژده‌ای است از سوی جد بزرگوارش، امام صادق علیه السلام: «... وَ تُدْخَلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ.»^۱ (تمام شیعیانم با شفاعت او داخل بهشت می‌شوند.)

او کسی است که ثمره زیارتش بهشت است. این وعده‌ای است که از زبان چهار امام معصوم: امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام به زائرانش داده شده است.^۲ اما این زیارت برای اینکه ما را بهشتی کند، شرطی دارد. این شرط را امام رضا علیه السلام مشخص کرده‌اند: «مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ.»^۳ این زیارت باید عارفانه باشد تا به بهشت ختم شود، یعنی زیارتی همراه با شناخت حق فاطمه معصومه علیها السلام! بله، او چنین دختری است!

۱. عباس قمی، سفینه البحار، ج ۷، ص ۱۲۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷؛ محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۶۶۰؛

جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

۳. عباس قمی، سفینه البحار، ج ۷، ص ۱۲۵.



کلام آخر

کلام آخر من از زبان توست، از زبان تو و همه دختران سرزمینم:
بانوی کرامت! من امروز خودم را این گونه یافتیم: من دخترم، حسنه
الهی. با دختر، خانه بوی مهربانی می گیرد و برکت در خانه پدر و مادر
را می زند، آن هم روزی دوازده بار. با آمدن دختر است که خانه محل
رفت و آمد فرشتگان می شود و این آمدود شد هرگز قطع نمی شود. این
قدوم مبارک دختر است که دعای شبانه روزی فرشتگان را بهره والدین
می سازد. آری، من هدیه الهی هستم. من دخترم!
حالا که به برکت وجود شما، روزی به نام من و نام تمام دختران
پاک سرزمینم نام گرفته است، از شما خواسته ای دارم:
کمکم کنید! می خواهم همانی باشم که خدا خواسته است. دوست
دارم من هم دختری محبوب نزد خدا باشم، مثل شما که هرچه دارید،
از همین جایگاه است: شما این مقام والا را از بندگی شایسته در جایگاه
دختر بودن به دست آورده اید، نه حتی همسر بودن و نه حتی مادر بودن.
می دانم اگر این گونه باشم، می توانم همسری شایسته و مادری



پسندیده نیز باشم و خوب بودن در هر کدام از این جایگاه‌هاست که مرا بندهٔ محبوب خدا خواهد کرد.

ای دختر بی نظیر موسی بن جعفر علیه السلام! گاهی وسوسه می شوم: کج می روم، بد می اندیشم، اشتباه تصمیم می گیرم و...؛ اما نمی خواهم این طور بمانم.

به یاری سَمّا حکم و به لطفان اسرار

کتابنامہ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن قولویہ (قمی)، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویہ، کامل الزیارات، بہ تحقیق و تصحیح عبدالحسین امینی، چ ۱، نجف: دارالمرتضویہ، ۱۳۵۶ ش.
۳. اسدی حلی، احمد بن محمد بن فہد، عدۃ الداعی و نجاح الساعی، بہ تحقیق و تصحیح احمد موحدی قمی، چ ۱، بی جا: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۴. پایندہ، ابوالقاسم، نہج الفصاحۃ، چ ۴، تہران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعۃ، ج ۹، چ ۱، قم: مؤسسۃ آل البیت علیہ السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۶. شعیری، تاج الدین محمد بن محمد، جامع الأخبار، چ ۱، نجف: مطبعۃ حیدریہ، بی تا.
۷. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویہ قمی، عیون أخبار الرضا علیہ السلام، ترجمۂ حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، ج ۱ و ۲، چ ۱، تہران: نشر صدوق، ۱۳۷۲ ش.

۸. طباطبایی بروجردی، سیدحسین، جامع أحادیث الشيعة (للبروجردی)، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، ج ۲۶، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، ج ۱، چ ۲، تهران: فراهانی، ۱۳۶۵ش.
۱۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الأمالی، چ ۱، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۱. قمی، عباس، سفينة البحار، ج ۷، چ ۱، قم: أسوه، ۱۴۱۴ق.
۱۲. قمی، عباس، مفاتيح الجنان، ترجمه حمیدرضا شیخی، به تصحیح و تحقیق بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چ ۵، مشهد: به نشر، ۱۳۹۱.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲ و ۵ و ۶، چ ۴، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۹۹، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۵. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، چ ۱، بیروت: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.



مسابقه فرهنگی زندگی به سبک دخترانه

توضیحات شرکت در مسابقه

- پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.
- به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:
 ۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه، شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج رقمی از چپ به راست و نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: زندگی به سبک دخترانه ۱۳۱۴۲ مهدیه عظیم‌زاده

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی: www.razavi.aqr.ir
۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در کیوسک‌های راهنمای زائر بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱- ۹۱۷۳۵ ارسال کنید.



- ❑ هزینه ارسال پاسخ نامه از طریق «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.
- ❑ آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.
- ❑ قرعه کشی از بین پاسخ های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می شود و نتیجه آن از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می رسد.

تذکر: پیشنهادهای و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه ای ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹



پرسش‌ها

پرسش اول: اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دختران را «مُفْلِّیات» توصیف فرموده‌اند، به چه معناست؟

۱. پرستار اهل خانه

۲. سرشار از لطف

۳. نظافت‌گرو ریزبین

۴. پیش‌قدم در محبت

پرسش دوم: براساس فرمایش امام رضا علیه السلام، مردی که موفق شود خانمی از محارمش مثل همسر، مادر، خواهر، دختر، عمه یا خاله را شاد کند، چه پاداشی دارد؟

۱. خداوند متعال در قیامت او را شاد خواهد کرد

۲. برای او هزار حج مقبول می‌نویسند

۳. باغی از باغ‌های بهشت برای اوست

۴. در بهشت هم‌نشین پیامبران علیهم السلام خواهد بود



پرسش سوم: کدام گزینه جزو حقوق پدر بر فرزند است؟

۱. اجازه گرفتن از پدر در انجام همه کارها، حتی واجبات
۲. پرهیز از صدازدن پدر با نامش و ننشستن قبل از او
۳. پرهیز از کارهای ناشایستی که دشنام به پدر را به دنبال دارد
۴. گزینه ۲ و ۳

پرسش چهارم: بنا به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خشنودی و خشم خداوند،

به ترتیب در چیست؟

۱. در تحصیل علم و ترک آن
۲. در انجام مستحبات و ترک آن
۳. در رضایت مردم و نارضایتی آنها
۴. در خشنودی و خشم والدین

پرسش پنجم: بنا بر روایات معصومین علیهم السلام پاداش زیارت حضرت

معصومه علیها السلام بهشت است. امام رضا علیه السلام چه شرطی را برای این زیارت مشخص فرموده اند؟

۱. باید همراه با انجام کامل مستحبات باشد
۲. یک بار زیارت کافی نیست و باید بارها و بارها تکرار شود
۳. باید همراه با شناخت حق فاطمه معصومه علیها السلام باشد
۴. گزینه ۱ و ۳

پاسخ‌نامهٔ مسابقهٔ فرهنگی زندگی به سبک دخترانه

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

..... تلفن ثابت پاکد شهر: شمارهٔ همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

نظرسنجی کتاب زندگی به سبک دخترانه

ردیف	موضوع	کتاب	نوع	موضوع	ردیف	کتاب
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری، مانند طرح جلد، اندازه و ...					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفیدبودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					

پیشنهادهای و انتقادات: -----

لیه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید.

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود - - - - -

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵